



تحلیل فقهی و حقوقی اجاره بر اساس واحد زمان

همایون مافی، رضا احمدی لمراسکی

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

بهروز جوانمرد، سحر فاطمی

جایگاه زنان در افغانستان از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن مولائی فرد، هادی مسعودی فر

تحلیل شرایط اساسی تشکیل قرارداد در انعقاد قراردادهای الکترونیکی؛ مسئولیت‌ها و مجازات‌ها

زهرا انصاری فر، مریم کمائی

بررسی جبران هزینه‌ها و امکان درخواست قرار تأمین هزینه‌ها در تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس)

محمد سعید حسینی، محمد جواد جاوید

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

روح الله آهنگران

جایگاه عقل در استنباط احکام فقهی

علی کریمی، حسن صادقیان مشکانی، سید محمد حسین جزایری

واکاوی حقوق زندانیان با رویکردی بر نهادهای داخلی و بین المللی

سیده مهشید میری بالاچورشری، امیررضا محمودی

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

سید امین حسینی، احمد شوهانی، ایرج مروتی

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

علیرضا انصاری مهبیاری، زهرا سادات حسینی

جرایم ثبتی اسناد و املاک در حقوق کیفری ایران

امیر اسماعیلی، نوید معتمدآریا، فاطمه نظرپور

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

ماهان قربانی پس‌ویشه

استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی

سندرم زن کتک خورده و دفاع مشروع: اختلافی قانونی و تجربی

مریم فرحی

آثار ضمانت حسن انجام تعهد در حقوق ایران

اصلان علیزاده



The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

Sayyed Amin Hosseini

Master of Political Science, Payam Noor University, Tehran West Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Ahmad Shohani

Assistant Professor of Political Science, Payam Noor University, Tehran West Branch, Tehran, Iran

Iraj Morvati

Doctoral student of criminal law and criminology, lecturer of Islamic Azad University, Shahr-Quds branch, Shahr-Quds, Iran

سیدامین حسینی

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.hosseini2008@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0001-3777-0215>

احمد شوهانی

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، تهران، ایران
shohaniahmadd@gmail.com

ایرج مروتی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهرقدس، ایران

Erajmorvati7@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0000-0400-316x>

Received: 2024/01/19 - Review: 2024/04/30 - Accepted: 2024/05/16

Abstract

The article examines the impact of the recent twenty-year agreement on the bilateral relations between Iran and Russia. The hypothesis of the research has been carried out in a descriptive-analytical method, which has examined the bilateral relations between the two countries in the past. The relations between Iran and Russia include a kind of relations in the structure of the relationship with the superpower but in the form of neighborhood. The main question is, considering the new international environment and especially the political will of two countries, Iran and Russia, to ratify a long-term agreement of twenty years, what evolution will happen in the relations between them? The hypothesis of the research is based on the fact that it seems that Iran-Russia relations have entered a new stage in bilateral and even regional relations due to the 20-year agreement. The global approach to Russia regarding the Ukraine conflict and the imposition of heavy sanctions against Russia from the West will inevitably push Russia towards the countries of the region and the East, and it seems to be the best time to establish an effective, stable and long-term relationship. Considering the national interests of Iran and taking into account the internal conditions of the country. The results show the positive impact of the recent agreement on long-term bilateral relations based on the new conditions of the international system.

Keywords: Iran and Russia, Bilateral Relations, Strategic Alliance, Realism, Twenty-Year Contract.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر قرارداد بیست ساله اخیر در روابط دوجانبه میان ایران و روسیه پرداخته است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است مناسبات دوجانبه میان دو کشور را در گذشته بررسی نموده است. روابط ایران و روسیه دربرگیرنده نوعی روابط در ساختار رابطه با ابرقدرت اما در قالب همسایگی می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که با در نظر داشت فضای جدید بین‌المللی و به‌ویژه اراده سیاسی دو کشور ایران و روسیه برای تصویب قرارداد بلندمدت بیست ساله چه تحولی در روابط فی مابین اتفاق خواهد افتاد؟ فرضیه پژوهش بر این اساس طرح شده که به نظر می‌رسد که روابط ایران و روسیه با توجه به قرارداد بیست ساله وارد مرحله جدیدی در روابط دوجانبه و حتی منطقه شده است. رویکرد جهانی به روسیه در قبال مناقشه اوکراین و وضع تحریم‌های سنگین بر علیه روسیه از طرف غرب، به ناچار روسیه را به سمت کشورهای منطقه و شرق سوق خواهد داد و به نظر می‌رسد بهترین زمان برای ایجاد یک ارتباط مؤثر، پایدار و بلندمدت با در نظر داشتن منافع ملی ایران و با توجه به شرایط داخلی کشور می‌باشد. نتایج پژوهش بیانگر تأثیر مثبت قرارداد اخیر بر روابط بلندمدت دوجانبه بر اساس شرایط جدید نظام بین‌الملل می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران و روسیه، روابط دوجانبه، اتحاد استراتژیک، واقع‌گرایی، قرارداد بیست ساله.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

ارجاع:

حسینی، سیدامین؛ شوهانی، احمد؛ مروتی، ایرج؛ (۱۴۰۳)، تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم، تمدن حقوقی، شماره ۱۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

روابط خارجی جدی ایران با روسیه پس از دوره ارتباطات محدود در زمان صفویه، به اوایل دوران قاجار می‌رسد، که در پی آشنایی ایران با روسیه تزاری با جنگ‌های بیست ساله ایران و روس در قفقاز همراه شده است. تا پیش از جنگ‌ها شناخت ایرانیان از دولت تزاری بسیار محدود بود. بعد مسافت، عرض‌های شمالی جغرافیایی، اقلیم سرد، تفاوت فرهنگی و دینی و از همه مهم‌تر دشواری زبانی، سبب ناآشنایی اقوام ایرانی و به الطبع دولتمردان ایران با این سرزمین شده بود. تصور توسعه نیافتگی از دولت تزاری، با توجه به این که در دوره صفویه این ایران بود که همواره مورد درخواست کمک از طرف دوک نشین‌های مسکو قرار می‌گرفت باعث تصویری اشتباه از دولت قرن نوزدهمی تزار روسیه شده بود. در قرن نوزدهم روسیه از لحاظ توسعه نظامی و صنعتی خود را به سرعت به اروپا رسانده بود. ایران دوران قاجار این را درک نکرده و اولین بار عباس میرزا در جنگ پی به این موضوع برد.

مسئله اساسی که پژوهش حاضر در پی یافتن آن می‌باشد این است که در قرن بیست و یکم ارتباطات خارجی ایران با روسیه چه جنبه‌هایی به غیر از مسائل نظامی می‌تواند داشته باشد؟ و در این روابط منافع ملی ایران چقدر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ یا همکاری‌های دوجانبه چه اثری بر منافع ملی ما در منطقه و جهان خواهد داشت؟ مهم‌ترین مبحثی که به آن پرداخته خواهد شد چشم‌انداز آینده روابط ایران با روسیه با توجه به قرارداد بیست ساله است. با این حال پس از مروری اجمالی از تاریخ روابط دوجانبه، کانون

اصلی این پژوهش برای اثبات فرضیه خود روابط ایران و روسیه در دو دهه اخیر می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم شروع ارتباطات میان ملت‌ها و کشورها همراه با شناخت فرهنگی و تاریخی متناسب از هم و علاقه‌مندی به ایجاد ارتباط می‌باشد. این علاقه و شناخت با توسعه ارتباطات علمی، فرهنگی، فعالیت‌های تجاری و گردشگری میسر می‌گردد. امروزه روابط علمی و فرهنگی مابین ایران و روسیه نیز در سطح مناسبی قرار ندارد. عدم شناخت مردمان از هم باعث بیگانه‌پنداری و ستیز و دشمن‌انگاری می‌شود. اخیراً که روابط سیاسی در سطوح بالایی قرار گرفته است، نیاز به بالا رفتن سطوح ارتباطات علمی و فرهنگی دوجانبه نیز احساس می‌شود. شناخت تاریخی اکثر نخبگان ایرانی از روسیه به جنگ‌های ایران و روس و از دست دادن سرزمین‌هایی در قفقاز بر می‌گردد و یا دوران اتحاد شوروی و ایدئولوژی کمونیسم که در هر دو مورد روسیه را در جایگاه خصم ملت و دولت ایران قرار می‌دهد. این نگاه نیاز به ارتباط را حذف می‌کند و همواره با دشمن‌پنداری همسایه شمالی مانع ایجاد ارتباط مؤثر و طولانی مدت می‌گردد. از آن طرف هم تصور روس‌ها از ایران به مانند کشورهای مسلمان آسیای میانه یا همسایگان شرقی و غربی ایران می‌باشد، که این تصویر هم مانع ارتباطات گسترده فی مابین می‌شود. ارتباطات اقتصادی ایران و روسیه نیز همانند روابط فرهنگی در سطوح بسیار پایینی قرار دارد و متناسب با ظرفیت‌های فراوان دو کشور نیست.

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل چشم‌انداز همکاری‌های پیش رو با توجه به قرارداد بیست ساله فی مابین در دولت سیزدهم با رهیافت واقع‌گرایانه و منافع ملی ایران در این برهه تاریخی و با ملاحظات محدودیت‌های جهانی می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این گونه مطرح می‌شود که با در نظر داشتن فضای جدید بین‌المللی و به‌ویژه اراده سیاسی دو کشور ایران و روسیه برای تصویب قرارداد بلندمدت بیست ساله چه تحولی در روابط فی مابین اتفاق خواهد افتاد؟ فرضیه پژوهش بر این اساس طرح شده که به نظر می‌رسد که روابط ایران و روسیه با توجه به قرارداد بیست ساله وارد مرحله جدیدی در روابط دوجانبه و حتی منطقه شده است. رویکرد جهانی به روسیه در قبال مناقشه اوکراین و وضع تحریم‌های سنگین بر علیه روسیه از طرف غرب، به ناچار روسیه را به سمت کشورهای منطقه و شرق سوق خواهد داد و به نظر می‌رسد بهترین زمان برای ایجاد یک ارتباط مؤثر، پایدار و بلندمدت با در نظر داشتن منافع ملی ایران و با توجه به شرایط داخلی کشور می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مقاله‌ها و آثار نگاشته شده مختلفی به بررسی روابط ایران و روسیه در یکی دو دهه اخیر به جنبه‌های متفاوت آن پرداخته‌اند که روندی رو به افزایش دارد. از جمله از زمان مناقشه هسته‌ای ایران با غرب در دهه هشتاد تا دهه نود خورشیدی و مسئله برجام که روسیه نیز به‌عنوان یکی از کشورهای پنج‌به‌علاوه یک در آن حضور داشت. اما به طور خاص در ارتباط با قرارداد بیست ساله که روابط ایران و روسیه را وارد عرصه جدیدی در حوزه روابط دوجانبه می‌کند، آثار چندانی به چشم نمی‌خورد. از مقاله‌های مرتبط در حوزه ارتباط ایران و روسیه به قلم الهه کولایی و عقیقه عابدی (۱۳۹۶) می‌باشد که تحت عنوان «فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰» با بیان فراز و نشیب رابطه ایران در طی دو قرن اخیر به این مسئله اشاره می‌کند که رویکرد نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهه گذشته همواره توسعه روابط با روسیه بوده است. از منظر این مقاله دو دیدگاه تحلیلگران برای دلایل و عوامل این تداوم رویکرد بیان می‌شود، یکی چهارچوب سازه‌انگاری و نقش هویت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مستضعفان جهان و استکبارستیزی و دیگری رویکرد امنیت هستی‌شناختی در مقابل تداوم خصومت با ایالات متحده آمریکا.

مارک اسمیت (۲۰۰۲) در مقاله‌ای به‌عنوان «روابط ایران و مسکو» در مرکز تحقیقات مطالعات تعارض، به این نکته اشاره می‌کند که، یکی از راه‌های مسکو برای نشان دادن تصمیم خود به پیگیری یک سیاست خارجی مستقل از واشنگتن در دهه ۱۹۹۰ میلادی برای ایجاد نظام چندقطبی بین‌المللی، از ایران به‌عنوان یک عامل کلیدی استفاده می‌کرد و متقابلاً ایران نیز روسیه را به‌عنوان یک وزنه در برابر انزوای تحمیلی ایالات متحده آمریکا می‌شمرد. علی‌امیدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های اختیاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، این نکته را متذکر می‌شود که اگرچه ایران و روسیه همواره به دنبال بهبود در روابط بوده‌اند، اما هنوز منجر به روابط راهبردی نشده است. او معتقد است ایران از روی مصلحت به دلیل اختلاف با غرب و روسیه نوعی احتیاط در همکاری را در روابط دوجانبه دارند.

مهدی سنایی (۱۳۸۷) سفیر اسبق ایران در مسکو، در مصاحبه‌ای در ماهنامه ایراس تحت عنوان «بررسی روابط ایران و روسیه» دیدگاه‌های موجود در ایران در مورد روابط با روسیه را به سه دسته تقسیم می‌کند. از این منظر گروه اول نسبت به این رابطه خوش بین هستند. با این تحلیل که روابط ما با ایالات متحده آمریکا به هیچ وجه حسنه نمی‌شود و اروپا هم هیچ‌گاه فناوری‌های مدرن و برتر را در اختیار ایران قرار نمی‌دهند. اما روسیه همراه ایران است. این نگاه نوع دیدگاه آرمان‌گرایانه در روابط بین‌الملل را

بازتاب می‌دهد. گروه دوم که در مقابل گروه اول هستند به روابط ایران و روسیه بسیار بدبین هستند. که این بدبینی بر این حقیقت استوار است که ذهنیت تاریخی مردمان روس، در بین ایرانیان با تجربه تاریخی تلخی همراه است و همچنین بسیاری از ایرانی‌ها بر این باورند که روس‌ها سابقه خوبی در کشور ایران از خود بر جای نگذاشته‌اند. گروه سوم که دو دیدگاه قبلی را بسیار سنتی، کلاسیک و تاریخی می‌بینند و آن را برآمده از نگاه جنگ سرد و فضای حاکم بر آن دوره می‌دانند. به نظر این گروه باید به روابط جدید میان ایران و روسیه بر مبنای قواعد امروز و مناسبات جاری بر روابط بین‌الملل نگاه نمود.

اما در کتب مختلفی نیز به تحلیل سیاست‌های داخلی و خارجی روسیه پرداخته شده است که از جمله می‌توان به چند اثر معروف اشاره نمود. یکی از این آثار به قلم جهانگیر کرمی (۱۳۸۴) تحت عنوان «تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسئله غرب» با در نظر داشتن سیاست خارجی روسیه جدید و دگرگونی در هویت دولت، تحولات رفتارهای سیاست خارجی آن را در برابر جهان غرب مورد بررسی قرار می‌دهد. در این کتاب اشاره می‌شود که در مورد روسیه جدید، رایینسون^۱ معتقد است که این کشور نتوانسته است برای خود، همسایگان و سایر دولت‌های جهان این مسئله را حل کند که چه نوع دولتی است، یک فدراسیون دموکراتیک، یک امپراتوری یا یک اتحاد شوروی جدید. به خاطر این قضیه است که سیاست خارجی روسیه از نظر دولت‌های دیگر به عنوان یک سیاست تهدیدکننده نگریسته می‌شود.

اریک شیرائف در کتاب «سیاست و حکومت در روسیه» به ترجمه مهدی امیری (۱۳۹۲) بیان می‌دارد، تغییرات بسیار چشمگیری که روسیه پس از فروپاشی از اتحاد جماهیر شوروی داشته، کمتر کشوری در طی این مدت کوتاه تجربه می‌کند. او همچنین اذعان می‌دارد که در طی بیست سال گذشته، این کشور شاهد فرایند دشوار بازتأسیس، بازسازی و ساختارسازی مجدد بوده است. فهم این مسائل برای کسانی که به مطالعه این کشور می‌پردازند، یک چالش است. او در این کتاب به تناقضاتی که جامعه روسیه به آن مبتلا شده است اشاره می‌کند. از جمله موارد متناقض که به آن اشاره می‌کند، این است که مردم روسیه به غرب و سیاست هایش بدگمانند، اما در عین حال به تحسین فرهنگ، موفقیت اقتصادی و نظام‌های سیاسی غرب تمایل دارند. در کتاب «روسیه در عصر رویارویی محدود» به قلم میشل اشتورمر و ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی (۱۳۹۶) به این نکته اشاره می‌شود که روسیه از حدود سیصد سال پیش و زمانی که به بازیگری اروپایی تبدیل شد، قدرتی اروپایی با ریشه آسیایی بوده است. اقتصاد روسیه حتی امروز هم یک اقتصاد تک بعدی است. روسیه

یک گرگ تنهاست و برقراری رابطه با آن یک کار درازمدت، دشوار و تلاشی دردناک است. در کتاب «سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه» به قلم الهه کولایی (۱۴۰۲) در بخش سیاست و روابط خارجی به این موضوع اشاره شده است که از نگاه اوراسیاگرایان توجه به عامل ژئوپلیتیک ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. مواضع ضدغربی جمهوری اسلامی ایران، برای روسیه متمایل به گرایش‌های اوراسیاگرایی، جالب و قابل استفاده بوده است. بر اساس گفته‌های الکساندر دوگین، روسیه از راه نزدیکی با ایران زمینه‌های لازم برای تأمین اهداف خود را دنبال کرده است. مهدی سنایی در کتاب «روسیه: جامعه، سیاست و حکومت» (۱۴۰۱) پس از بررسی گفتمان‌های مختلف در سیاست خارجی روسیه، به این نکته اشاره می‌کند که از سال ۲۰۱۴ میلادی روسیه شاهد دوره‌ای متفاوت در سیاست خارجی خود می‌باشد که نمود آن در پایان دادن به نظم بیست و پنج ساله حاکم بر روابط روسیه با غرب است. پس از تحریم‌های غرب، نگاه روسیه از تعامل با غرب به سمت توجه بیشتر به ظرفیت‌های حوزه اوراسیا، خاورمیانه و تعامل بیشتر با هند و چین معطوف شد. روسیه پس از شوروی برای اولین بار با مداخله نظامی در سوریه به انحصار ائتلاف غربی برای مداخلات نظامی در سایر کشورها پایان داد. روسیه با برجسته نمودن عملگرایی در سیاست خارجی، آرزوی بازیابی جایگاه کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی را در سر دارد. بنابراین یکی از اهدافی که در این پژوهش دنبال می‌شود و در پژوهش‌های پیشین به آن کمتر توجه شده است، واقع‌گرایی در ارتباط دوجانبه و شناخت فرهنگ سیاسی روسیه در این خصوص بوده و همچنین تأثیر قرارداد بیست ساله از این پس بر روابط دوجانبه است.

چهارچوب نظری

با بررسی آثار موجود در رابطه با سیاست خارجی ایران و روسیه، دیدگاه‌های متفاوتی درباره چهارچوب نظری مناسب برای توضیح این روابط وجود دارد. برخی از تحلیلگران در بررسی دلایل و عوامل این تداوم جهت‌گیری، به چهارچوب نظری سازه‌انگاری و نقش هویت جمهوری اسلامی ایران که با استکبارستیزی، مبارزه با نظام سلطه و حمایت از مستضعفان پیوند دارد، رجوع می‌کنند و برخی از رویکرد نظری امنیت هستی‌شناختی، جهت تبیین علت گرایش سیاست ایران به روسیه، در مقابل تداوم خصومت با ایالات متحده آمریکا بهره می‌برند (کولایی و عابدی ۱۳۹۶، ۱۳۶).

بر اساس جریان اصلی نظریه‌های سیاسی، در روابط بین کشورها دو دیدگاه وجود دارد، آرمان‌گرایی

و واقع‌گرایی. عده‌ای روابط بین‌الملل را بر پایه آرمان‌گرایی ترسیم می‌کنند که از دل آن ایدئولوژی‌های متعددی بیرون می‌آید. از دیدگاه فلسفی، آرمان‌گرایی به درک این نکته کمک می‌کند که ایده‌ها، عواطف و اخلاقیات مهم‌تر از موضوعات مادی است و همچنین تأکید می‌کند که رشد انسان باید بر اساس ارزش‌های اخلاقی و معنویات باشد. به طور مثال، برخی ساختارهای هنجاری و نقش هویت را در روابط بین دو کشور بسیار پررنگ می‌بینند و از این نگاه بر اساس سازه‌انگاری می‌خواهند روابط بین‌الملل را تحلیل نموده و توضیح دهند. در ارتباط با روسیه نیز برخی مبارزه و ایستادگی در برابر غرب و تحریم را به‌عنوان عناصر مشترک بر رفتار میان ایران و روسیه در نظر می‌گیرند و اصول روابط بین‌الملل را بر این اساس قرار می‌دهند و انتظاری مشابه از طرف مقابل دارند. اما در عمل می‌بینیم که نتیجه غیر از انتظار می‌باشد. بنابراین رویکرد آرمان‌گرایانه، مبتنی بر اصول و معیارهای انتزاعی است که هنجارها، قواعد و موازین حقوقی و ارزش‌های اخلاقی را در بر می‌گیرد.

پس از جنگ جهانی دوم، واقع‌گرایی توسط نظریه پردازانی چون «هانس جی. مورگنتا»^۲، «ولفرز»^۳، «آرون»^۴، «ای. اچ. کار» و «جرج کنان»^۵ در واکنش به آرمان‌گرایی ارائه شد. واقع‌گرایی مدعی است جهان را آن گونه که هست توضیح می‌دهد که جزء جریان اصلی روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، برخلاف آرمان‌گرایی که تأکیدش بر جهانی است که آن گونه که باید باشد. بر پایه این دیدگاه، مبارزه برای کسب قدرت بر مناسبات کشورها حاکم است. تعارض بین منافع ملی و منافع بین دولت‌ها همواره وجود دارد و بهترین راه برای حفظ صلح برقراری موازنه قدرت است.

در این پژوهش با رویکردی توصیفی، تحلیلی و تاریخی و بررسی روابط دوجانبه در دو دهه گذشته، تأثیر قرارداد بیست ساله را در شرایط خطیر سیاسی اخیر در حوزه بین‌الملل و مؤلفه‌های متفاوت در روابط فی‌مابین، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی مورد امعان نظر قرار می‌دهیم.

۱- تاریخچه روابط ایران و روسیه

پس از شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس عصر قجری، ماهیت دولت تزاری روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ امپریالیسم و با اعمال نفوذ به اهداف و مقاصد خود در درون ایران، برای نخبگان و مردم

2- Hans J. Morgenthau

3- Arnold Wolfers

4- Raymond Aron

5- George Kennan

ایران که تا آن روز ناپیدا و پوشیده بود، آشکار گشت. تعجبی ندارد که کشوری با هفت برابر وسعت بیشتر و بالطبع منابع بیشتر و توسعه یافته‌تر از ایران بتواند بر کشوری توسعه نیافته استیلا یابد. پیامدهای ناگوار اقتصادی و سیاسی که پس از پایان جنگ ایران روس بر کشور تحمیل شد رنج مضاعفی بر مالیات دهندگان ایرانی بود و علاوه بر آن با انعقاد معاهده تعرفه گمرکی، استقلال گمرکی ایران از دست رفت. قرارداد مزبور طوری تنظیم شده بود که تعرفه گمرکی کالاهای تولیدی و صنعتی ایران که به روسیه صادر می‌شود افزایش می‌یافت، ولی حقوق گمرکی کالاهای وارده از روسیه، به خصوص کالاهای مصرفی، کاهش چشمگیری داشت (عیسوی، ۱۳۶۹، ۲۲۶).

پس از انقلاب اکبر در روسیه و پایان نظام تزاری و روی کار آمدن اتحاد جماهیر شوروی، فصل تازه‌ای در روابط بین دو کشور آغاز شد. پیمانی تحت نام «پیمان مودت» میان دو کشور بسته شد و به موجب آن امتیازات استعماری دوره تزاری لغو گردید (عیسوی، ۱۳۶۹، ۴۵). با آغاز عصر پهلوی، عهدنامه‌های اقتصادی، سیاسی و تأمینی بین دو کشور ایجاد گشت و به موجب این قراردادها روابط حسنه تجاری و سیاسی تا مدتی برقرار گردید. در ادامه با توجه به مناسبات جنگ سرد و چهارچوب الزامات نظام بین‌الملل در این دوره، همچنین تحول نقش ایران در منطقه و جهان، ایران کوشش داشت تا از نظام موازنه بین قوای بین‌المللی پیروی کند. بر اساس این دیدگاه، زمینه‌های همکاری میان دو کشور در بخش‌های تجاری، علمی و فنی افزایش یافت (منتظری، ۱۳۹۳، ۵۹). پس از پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی تنها کشور عضو متفقین بود که به دلیل امتناع آن کشور جهت تخلیه نیروهایش از مناطق شمال غرب و غرب ایران، روابط آن با ایران به شدت بحرانی گشت (منتظری، ۱۳۹۳، ۱۵). پس از انقلاب اسلامی، در ابتدای امر، روابط میان دو کشور کمی دستخوش تنش شد. با تهاجم نظامی شوروی به افغانستان که کشور مسلمان و همسایه ایران بود روابط ایران و شوروی رو به سردی نهاد. ایران حمله به افغانستان را محکوم کرد و در قالب سیاست «نه شرقی و نه غربی» اقداماتی برخلاف میل شوروی انجام داد. یکی از این موارد، مفاد پنجم و ششم عهدنامه مودت ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ میلادی را ملغاً نمود (کیانی، ۱۳۸۷، ۱۰).

پس از پایان جنگ ایران و عراق و تغییرات ماهیتی روسیه به رویکرد نگاه به غرب و همچنین تغییر ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در نگاه رهبران روسیه، گسترش روابط روسیه و ایران در دستور کار قرار گرفت (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶، ۱۴۱). نیاز مبرم ایران به بازسازی و تجدید قوای نظامی و تحریم تسلیحاتی غرب، به ناچار شوروی به‌عنوان شریک نظامی و امنیتی می‌توانست به ایران کمک کند. سفر

رئیس مجلس شورای اسلامی وقت^۶ به مسکو باعث ایجاد روابط جدیدی میان دو کشور شد (کیانی، ۱۳۸۷، ۱۰). ایران به عنوان یک فرصت جدید برای روابط خارجی شوروی شناخته شد و موقعیت تازه‌ای برای بازار کالای روسی، که ایران نیز به آن نیاز مبرم داشت، جایگاه ویژه‌ای در نزد سردمداران دولت شوروی یافت. دیگر دو کشور برای هم از نگاه ایدئولوژی تهدید محسوب نمی‌شدند.

در دولت سیدمحمد خاتمی روس‌ها به شدت نگران تغییر در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا بودند. روسیه از تقابل و تعارض میان ایران و ایالات متحده آمریکا، در حوزه بین‌الملل سود بسیار می‌برد. اختلافات ایران با ایالات متحده آمریکا، روسیه را به ایران نزدیک نمود و این کشور به دنبال منافع خود از این اختلاف بود. به طور سنتی روسیه برای تأمین انرژی در جمهوری‌های پیشین خود جریان تسط خود بر مناطق آسیای میانه و قفقاز را دنبال می‌کرد و در این زمینه با ایران دچار تعارض منافع شده بود. هرچند با ایران در عرصه‌های مختلف، همکاری‌هایی در این مناطق داشتند. ملاحظات ژئوپلیتیک و اقتصادی نیز در روابط بین ایران و روسیه مؤثر می‌باشد. به طوری که این ملاحظات برآمده از منطق واقع‌گرایی سیاسی است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶، ۱۶۰). پس از روی کار آمدن دولت‌های نهم و دهم تبیین دگرترین سیاست خارجی کشور از رویکرد تمایل به همکاری با غرب، جایگزین همکاری با شرق شد. از زمان دولت نهم توجه به همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای شرقی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت و در قالب رویکرد نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفت. در این راستا باب جدیدی از گسترش روابط با کشورهای همچون چین و روسیه گشوده شد.

۲- روابط ایران و روسیه در دو دهه اخیر

شاید بتوان همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه را در دو مورد خلاصه نمود، یکی همکاری در زمینه تسلیحات متعارف نظامی و دیگری همکاری در حوزه هسته‌ای و حمایت در سازمان ملل متحد. در تمامی این سال‌ها روسیه یکی از متهمان اصلی در زمینه تجهیز ایران به فناوری هسته‌ای، سیستم دفاع موشکی و دیگر تسلیحات نظامی متعارف، از نگاه غرب و متحدانش بود.

در سراسر سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه از دیدگاه غرب مهم‌ترین متهم در خصوص تجهیز ایران به فناوری هسته‌ای، موشک‌های دوربرد و همچنین تسلیحات متعارف بوده است.

همکاری‌های فناورانه و نظامی ایران و روسیه مهم‌ترین سرفصل گفتگوهای دوره‌ای رهبران ایالات متحده آمریکا و روسیه در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ میلادی به شمار می‌رفت. طی این دوره رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا تلاش‌های فراوانی برای متقاعد نمودن رهبران روسیه برای قطع این همکاری می‌نمودند. در این بین و در سال‌های اخیر همکاری‌های هسته‌ای از نگاه بین‌المللی بسیار پر اهمیت بوده است. همچنان که «اربرت فریدمن»^۷ در این خصوص اظهار نموده: «مقامات کرملین با ایستادگی در مقابل فشارهای بین‌المللی در ارتباط با قطع همکاری‌های هسته‌ای با کشور ایران، می‌توانند افکار عمومی داخل کشور را نسبت به استقلال عمل روسیه در عرصه سیاست خارجی اقناع نمایند». (Freedman, 2002, 11). به رغم نگرانی‌های مسکو در مورد برنامه هسته‌ای ایران به نظر می‌رسد کرملین مجبور به یک انتخاب استراتژیک جهت تقویت روابط اقتصادی و نظامی با ایران می‌شود. هرچند همکاری هسته‌ای با ایران دربرگیرنده منافع سرشار اقتصادی برای روس‌ها است، اما نباید این مسئله را دور از ذهن داشت که مسکو نیز به دلیل همسایگی و نزدیکی خود با مرزهای ایران، نگران ایران هسته‌ای می‌باشد و این نوع نگرانی ارتباط چندانی با فشار از جانب غرب ندارد.

از دیدگاه روسیه، امنیت مرزهای جنوبی این کشور در عدم نزدیک بودن به تهدیدات هسته‌ای، بسیار بیشتر بر ایجاد قرارداد و تفاهم‌نامه‌های گوناگون با ارزش چند صد میلیون دلاری اولویت دارد (کرمی، ۱۳۸۴، ۱۹۹). دقیقاً از همین روی بود که مسکو پس از افشای تصاویری از سایت‌های پوشیده هسته‌ای ایران در اراک و نظنز، در تداوم همکاری هسته‌ای خود با ایران با تردید روبرو شده و تا مدتی در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر اهمال ورزید. در این ارتباط رئیس‌جمهور روسیه، اندکی پس از اجلاس گروه هشت کشور صنعتی در ژوئن ۲۰۰۴ میلادی و در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران چنین اعلام نمود: «چنانچه ایران تقاضای جامعه بین‌المللی را مبنی بر ارائه شفافیت بیشتر در برنامه هسته‌ای خود نادیده بگیرد و به همکاری‌های گسترده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پردازد روسیه فعالیت‌های خود را در بوشهر متوقف خواهد نمود». «سرگئی لاوروف» با تصریح بیشتر در این زمینه اعلام نمود که هیچ اختلاف نظری بین روسیه و ایالات متحده آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد. در سال ۲۰۰۰ میلادی با شروع ریاست جمهوری پوتین دوره‌ای از واقع‌گرایی جای خود را به آرمان‌گرایی می‌دهد و تحولی مثبت در سیاست خارجی روسیه روی می‌دهد. چنانچه بی‌ثباتی سیاسی به ثبات نسبی و رهیافت غیرعقلایی

به نسبتاً عقلایی تغییر رویکرد می‌دهد (نوری، ۱۳۸۹، ۱۵۹).

شروع مناسبات ایران با روسیه برخلاف تصور عامه مردم از زمان روی کار آمدن دولت اصلاحات، به‌ویژه با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین دومین رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه رو به توسعه نهاد و از نقطه نظر تحکیم روابط و جدیت در برقراری ارتباطات دوجانبه به بالاترین حد خود در دهه‌های پیشین رسید. هرچند در دولت‌های قبل نیز ارتباطات محدود در جهت تأمین سلاح وجود داشت. مناسبات ایران و روسیه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی و به‌ویژه با آغاز دولت سیدمحمد خاتمی رو به توسعه گذاشته و از نظر تحکیم و ثبات به بالاترین حد خود در چند دهه پیش از خود رسید. حتی در مقاطعی که استنباط می‌شد روابط ایران با غرب تنش‌زایی می‌شود مانند دوره‌های ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی، روابط ایران با روسیه توسعه بیشتری یافته است (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶). در سال ۲۰۰۰ میلادی، دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه پس از بازدید از ایران، از طرف رئیس‌جمهور روسیه، رئیس‌جمهور ایران را دعوت به دیدار از روسیه کرد. طبق اظهارات پوتین با سفر سیدمحمد خاتمی به مسکو فصل تازه‌ای از روابط دوجانبه رقم خورد (پایور، ۱۳۸۲، ۹). در جنگ اول چچن، ایران از تمامیت ارزی روسیه دفاع کرده و در برابر سرکوب خشونت‌آمیز مسلمانان چچن، به دلیل منافع روابط با روسیه، سکوت اختیار کرد. برای خاتمه جنگ داخلی تاجیکستان نیز با هم‌همکاری‌های مؤثری انجام دادند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶، ۱۴۱).

از مسائل مهم این دوره حل و فصل مسئله دریای خزر بود که با حساسیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تشکیل کمیته‌ای از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رسیدگی به چگونگی شکل‌گیری رژیم حقوقی جدید دریای خزر انجامید. در اجلاس عشق‌آباد، رئیس‌جمهور به دفاع از منابع مردم ایران پرداخت و از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد. همین امر به عدم توافق و به نتیجه نرسیدن رژیم حقوقی جدید دریای خزر انجامید. همکاری‌های فنی و اقتصادی ایران و روسیه نیز در دوران دولت سیدمحمد خاتمی در سطح همکاری‌های سیاسی-نظامی توسعه و تعمیق پیدا کرد. شروع روابط هسته‌ای ایران و روسیه نیز اولین بار در دولت سیدمحمد خاتمی طی قراردادی بین روس‌اتم و سازمان انرژی اتمی ایران آغاز شد. این قرارداد هفتصد میلیون دلاری که در سال ۱۳۷۴ میان دو کشور بسته شد شرایط مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در روسیه به همراه آورد. این اقدام در روسیه نیز همچون ایران، با مخالفت‌های جدی مواجه شد. مخالفان این همکاری را با منافع روسیه در مغایرت می‌دانستند و کمک به ایران در این زمینه را تهدیدی برای روسیه برآورد می‌کردند (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰، ۶۲).

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد یکی از مهم‌ترین مسائل روابط بین ایران و روسیه قرارداد نظامی تحویل موشک‌های پدافند اس-سیصد بود. این قرارداد در سال ۱۳۸۵ به امضای مقامات دو طرف رسید. مبلغ این قرارداد هشتصد میلیون دلار بود. مدت اجرای این قرارداد نظامی سه سال تعیین شده بود و باید تا سال ۱۳۸۸ در کشور مستقر می‌شد. اما تحویل این سیستم موشکی به ایران بیش از آن که بستری را برای همکاری نظامی ایران و روسیه فراهم کند، بیشتر شباهت به فاکتوری برای امتیازگیری روسیه از ایالات متحده آمریکا داشت و به موضوعی پر سروصدا در روابط دو کشور تبدیل گردید (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰، ۶۲). عمده مانع پیش روی تحقق وعده روسیه در برابر ایران، مخالفت‌های اسرائیل و ایالات متحده آمریکا بود، اما روس‌ها دلیل اصلی را قرارداد ۱۹۲۹ میلادی سازمان ملل متحد می‌دانند که فروش تسلیحات نظامی به ایران را ممنوع اعلام می‌نمود.

در دوره‌ای که «دیمیتری مدودف» به ریاست جمهوری روسیه رسید دیدگاه تنش زدایی با غرب در دستور کار دولت روسیه قرار گرفت و برای نزدیکی به ایالات متحده آمریکا دولت روسیه سعی در رعایت مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد داشت. بنابراین در تعهدات خود در قبال ایران سخت‌گیری‌هایی را اعمال می‌نمود. «دیمیتری مدودف»، رئیس جمهور روسیه فرمانی صادر کرد که صادرات اقلام نظامی فهرست شده در قطعنامه ۱۹۲۹ میلادی سازمان ملل متحد از جمله سامانه اس-سیصد را به ایران ممنوع اعلام می‌کرد. پس از ممانعت روسیه از تحویل اس-سیصد، ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد، نهایتاً دیوان بین‌المللی دادگستری، رای خود را صادر و روسیه را محکوم کرد و مقرر شد که مسکو طبق قرارداد، خسارت لغو این قرارداد که چیزی در حدود چهار میلیارد دلار اعلام شده بود را به تهران پردازد.

در دور سوم ریاست جمهوری پوتین، در اردیبهشت ۱۳۹۱، او توجه ویژه‌ای به همکاری‌های دوجانبه بین ایران و روسیه نشان داد. در این مرحله روسیه احساس می‌کرد که برای نقش آفرینی بیشتر در حوزه خاورمیانه و همچنین در سطح بین‌الملل، به متفکین سیاسی جدیدی نیازمند است که از این بین کشورهای به مثابه ایران می‌تواند این نقش را ایفاء کنند. مسئله بحران اوکراین در ۱۳۹۲ که حاصل آن الحاق شبه جزیره کریمه به خاک روسیه و اعمال تحریم‌های غرب علیه آن بود، بر رفتار سیاست خارجی این کشور اثر گذاشته و برای گسترش مناسبات سیاسی با ایران مصمم‌تر شد. متقابلاً ایران نیز برای رها شدن از بند تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده و نیز تأمین بخشی از نیازهای دفاعی خود علاقمند به گسترش مناسبات با روسیه گردید.

رویکرد و سیاست نگاه به شرق در ایران همراه با گفتمان‌های ملی‌گرا، اسلاوگرا، اوراسیاگرا و

ضدآتلانتیک گرا در روسیه نیز اشتراکاتی داشت (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶، ۱۵۷). در این دوره، سفر محمود احمدی نژاد به روسیه در جریان نشست سران سازمان همکاری شانگهای و سپس سفر رئیس جمهور روسیه برای نخستین بار به ایران اتفاق بسیار مهمی در تعمیق مناسبات سیاسی دو کشور بود. با سفر پوتین به تهران در سال ۱۳۸۶ و دیدار با رهبر انقلاب، نشان از اوج روابط دو کشور می‌داد (کرمی، ۱۳۸۹، ۱۷۵). نکته‌ای که باید به آن توجه نمود وزن سیاسی و ژئوپلیتیک دو کشور می‌باشد. روسیه همواره یک کشور قدرتمند و همسایه مهم دارای تفوق در عرصه جهانی بوده است اما ایران وزن مشابهی برای روسیه نداشته است (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶، ۱۶۰). علاوه بر آن بی‌اعتمادی به صورت دوطرفه همچنان از ریشه تاریخی دو ملت نشأت می‌گیرد و این بی‌اعتمادی تاریخی نسبت به نهادینه ساختن روابط دوجانبه طولانی تردید ایجاد می‌کند.

پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و سفر او به مسکو و دیدار با پوتین، چهارده سند همکاری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، حقوقی و فرهنگی بسته شد. طبق اظهار نظر رئیس جمهور روسیه ایران یک همسایه خوب و یک شریک قابل اعتماد و باثبات برای روسیه است. پوتین همچنین اظهار داشت: «کافی است بگوییم که تجارت ما در سال گذشته هفتاد درصد رشد داشته است که در میان مشکلات اقتصادی فعلی یک دستاورد بی نظیر است. این نتایج عمدتاً به لطف کمک شما، آقای رئیس جمهور و به لطف تلاش‌های دولت شما به دست آمده است». دو طرف همچنین اسناد دیگری را در زمینه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، معدن، ساخت راه آهن، استرداد مجرمان، انرژی هسته‌ای، برق، صادرات و گردشگری امضاء کردند (Faghihi, 2017). آغاز احداث پروژه نیروگاه بخار سیریک در میناب یکی از دستاوردهای همکاری دوجانبه در دولت حسن روحانی است. از موارد دیگر همکاری‌های دوجانبه می‌توان به بحران سوریه و همکاری‌های سه جانبه با آذربایجان در حوزه قفقاز نیز نام برد. قرارداد ساخت دو نیروگاه اتمی دیگر نیز در دوره حسن روحانی رقم خورد. همچنین همکاری با روسیه در قرارداد برجام نیز از اقدامات دوره ریاست جمهوری حسن روحانی می‌باشد.

با آغاز دولت ابراهیم رئیسی دیدگاه جدیدی بر سیاست خارجی ایران حاکم گشت که اولویت آن توجه به همسایگان، ارتباط مؤثر با آنان و روابطی سازنده بر مبنای گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه است. در اولین سال دولت، وزیر امور خارجه سفری به مسکو داشت و برای تحکیم روابط با همتای روسی خود به مذاکرات پرداخت. دیدار رئیس جمهور ایران با پوتین در نشست سران سازمان همکاری شانگهای در سمرقند و سفر به مسکو در ژانویه ۲۰۲۲ میلادی از دیگر مواردی است که در مسیر توسعه ارتباط با روسیه

در دولت سیزدهم می‌توان نام برد. ابراهیم رئیسی به نوبه خود روابط با روسیه را استراتژیک خواند و امکان ارتقای روابط به سطح راهبردی را دور از انتظار ندانست.

۳- موانع همکاری‌های بلندمدت میان ایران و روسیه

شاید مهم‌ترین پرسش در ارتباط با همکاری‌های دوجانبه بلندمدت میان دو دولت ایران و روسیه این باشد که به چه علت تا امروز مناسبات میان دو کشور به روابط راهبردی و بلندمدت حتی در زمینه‌های تجاری و بازرگانی نینجامیده است؟ با این که تمایلات سیاسی زیادی از هر دو سو جهت تعاملات نزدیک و معاضدت وجود دارد و از آن استقبال می‌شود. از چند منظر به موانع همکاری‌های بلندمدت میان ایران و روسیه اشاره نمود که در این قسمت برخی از مهم‌ترین آن‌ها نام برده می‌شود.

از اولین و مهم‌ترین موانع گسترش مناسبات عمیق دوجانبه وجود ذهنیت‌ها و نگرش‌های منفی ناشی از حوادث تاریخی گذشته است که تا امروز اثر آن باقی مانده است (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹، ۱۲). دومین عامل برنامه هسته‌ای ایران است. دولت روسیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران با تناقض جدی روبرو است. از یک سو، برای دستیابی تهران به فناوری هسته‌ای، چندان تمایلی ندارد. چون هم تهدیدی برای روسیه می‌تواند باشد و از سویی دیگر ممکن است موجب گسترش این فناوری در سطح منطقه شده و جایگزینی برای روسیه و سایر کشورها در خاورمیانه که می‌توانند به نوعی مشتری بالقوه روسیه باشند، شود.

مسئله بعدی که روسیه را نگران می‌کند این است که با ناتمام گذاردن ساخت نیروگاه بوشهر، ایران می‌تواند با چین وارد مذاکره شود و سرانجام در مورد تکمیل آن توسط شرکت‌های چینی به توافق دست یابند. هدف روسیه که کم و بیش در سال‌های گذشته نیز به آن دست یافته، در واقع به نوعی از طریق بازی با موضوع هسته‌ای ایران نقش‌های جدی‌تری را در مسائل کلان نظام بین‌الملل ایفاء کند و احتمالاً امتیازاتی را از این طریق نصیب خود نماید. روس‌ها همواره به همکاری‌های اتمی با ایران به‌عنوان اهرمی برای چانه زنی در مقابل ایالات متحده آمریکا نگاه کرده‌اند لذا آن‌ها در این زمینه طوری حرکت می‌کنند که حداکثر آن عدم درگیری و خسارت و حداقل آن حفظ ارزش چانه زنی می‌باشد. آینده روابط دوجانبه در زمینه‌های مختلف بین روسیه و ایران تا حد زیادی به تحولات پیرامون برنامه هسته‌ای ایران بستگی دارد (Aras&Ozbay, 2008, 56).

عامل مهم دیگر نوع بازار دو کشور و مزیت رقابتی یک کالای مشترک در هر دو کشور است که

طرفین را از تجارت دوجانبه عمیق بی‌نیاز می‌کند. ایران و روسیه هر دو تولیدکننده عمده انرژی می‌باشند و طبیعتاً این بازار کالایی برای ارائه به یکدیگر ندارند. نکته بعدی این که هر دو کشور در سطوح کشورهای نظامی و امنیتی در جهان قرار می‌گیرند و بنابراین نوع ارتباطات بازار باز در دو کشور عملاً جایگاهی ندارد. هویت خاص دو کشور تا حدود زیادی امکان نزدیکی دو کشور را سلب کرده است. از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان به عنوان موانع همکاری‌های دوجانبه نام برد.

۴- چشم‌انداز قرارداد بیست ساله بر روابط بین ایران و روسیه

چشم‌انداز روابط ایران و روسیه را بر اساس قرارداد بیست ساله می‌توانیم از چند منظر مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به قرارداد مذکور که تمامی ابعاد روابط دوجانبه را در بر می‌گیرد، به بخش‌هایی که می‌تواند چشم‌انداز آتی روابط ایران و روسیه را رونق دهد اشاره می‌کنیم.

واقعیت‌های نوظهور ژئوپلیتیکی، پیش‌نیازهای عینی را برای نزدیکی مسکو و تهران، برای فعال‌سازی و گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های نظامی، سیاسی، تجاری، اقتصادی، علمی، فنی و... به منظور خنثی کردن پیامدهای تحریم ایجاد می‌کند. بسته شدن بازارهای غربی برای مسکو و از هم پاشیدگی زنجیره‌های لجستیکی که روسیه را به اروپا متصل می‌کند، جذابیت ایران را به‌عنوان یک قطب مهم حمل و نقل افزایش داده است. اقداماتی برای بهبود بخش‌های ریلی و دریایی کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال و جنوب که از خاک ایران به خلیج فارس و اقیانوس هند می‌گذرد، در حال انجام است. این دو همسایه با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی منطقه و قرار گرفتن در محور شمال و جنوب دریای خزر پتانسیل برقراری امنیت و ثبات در منطقه غرب آسیا، آسیای مرکزی، قفقاز و حتی اروپای شرقی را دارا می‌باشند. روابط روسیه با کشورهای غربی پس از آغاز عملیات نظامی در اوکراین و تشدید فشارهای تحریمی غرب بر روسیه، چشم‌انداز ژئوپلیتیک بین‌المللی را به شدت تغییر داده است (Maryasov, 2023).

با رجوع به تاریخ روابط دو کشور در می‌یابیم که اولین قرارداد همکاری‌های اصولی بین ایران و روسیه در تاریخ بیست و دوم اسفند ماه ۱۳۷۹ برابر با دوازدهم مارس ۲۰۰۱ میلادی منعقد شد که مدت زمان آن ده سال و قابل تمدید بود. این قرارداد به روشنی اصل رعایت منافع متقابل در همکاری‌ها و حقوق برابر در مناسبات و اعتماد متقابل را نشان می‌دهد. در ماده اول این قرارداد بیست و یک ماده‌ای گفته شده که جمهوری اسلامی ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور دوست روابط خود را بر اساس همکاری، احترام

متقابل، احترام به حق حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال و خودداری از مداخله در امور داخلی یکدیگر بنا می‌کنند (همان). اما در پیش نویس قرارداد بیست ساله که در زمستان ۱۴۰۰ با سفر رئیس جمهور ایران به مسکو به طرف روسی پیشنهاد شد، قابلیت جامعیت را داشته و می‌تواند کاستی‌های قرارداد پیشین را برطرف نموده و چشم‌انداز آتی روابط را بر بستری استوار برای توسعه اقتصادی و سیاسی قرار دهد. دیدارها و تماس‌های متقابل بین مسکو و تهران به طور جدی در همه سطوح و تقریباً در همه زمینه‌ها از جمله بلوک اقتصادی و محافل تجاری تشدید شده است. کار کمیسیون دولتی همکاری‌های تجاری و اقتصادی روسیه و ایران به شکل اساسی تر در حال پیگیری می‌باشد (Maryasov, 2023).

در ابتدا از نگاه اقتصادی که رویکرد دولت سیزدهم نیز توسعه سطح روابط اقتصادی و تجاری می‌باشد، به تفاهم نامه و قراردادهای دوجانبه بانکی که زیرساخت تجارت بین‌الملل است، اشاره می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌ها در جهت تبادلات مالی و اقتصادی میان ایران و روسیه ارتباط بانک‌های طرفین جهت تسهیل روابط تجاری است. تحریم تبادلات مالی بانک‌های ایرانی، یکی از مواردی است که بر صادرات و واردات کشور اثر چشمگیری گذاشته است و حل شدن این موضوع می‌تواند تحول بزرگی در تجارت خارجی کشور باشد. حذف دلار از مبادلات تجاری و مبادله با ارزهای ملی دو کشور کمک بزرگی به اقتصاد هر دو کشور می‌کند و یک معامله برد-برد برای طرفین است. در بخش مالی برنامه‌هایی برای هماهنگ‌سازی سیستم ارسال پیام‌های مالی انجام می‌شود، زیرا بسیاری از بانک‌های ایرانی و روسی از سیستم سوئیفت قطع شده‌اند و همچنین سیستم شتاب را به هم متصل کرده و تسویه‌های متقابل را به ارزهای ملی انجام می‌دهند. آماده‌سازی توافقنامه منطقه آزاد تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مرحله نهایی خود قرار دارد (Maryasov, 2023).

از دیگر مواردی که قرارداد بیست ساله می‌تواند به نفع کشور باشد، نیاز مبرم کشور به جذب سرمایه خارجی است. انرژی، حمل و نقل، کشاورزی و بهداشت که مزیت رقابتی ایران در منطقه می‌باشند و کشور نیازمند به سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت در این بخش‌ها است تا در این حوزه‌ها بتواند بر اساس مزیت رقابتی ذاتی که دارد به بالا بردن سطح تجاری کمک کند. بنابراین اگر این مواردی که در قرارداد اخیر به نظر می‌رسد تمدید شود، به مرحله اجرا درآید، شاهد تغییرات مؤثری در اقتصاد کلان می‌باشیم. مقدمات ساخت فازهای جدید نیروگاه اتمی بوشهر و نیروگاه حرارتی سیریک در استان هرمزگان در حال انجام است. در چهارچوب تفاهم نامه‌ای که سال گذشته بین گازپروم و شرکت ملی نفت ایران امضاء شد،

این دو شرکت برای توسعه میادین نفت و گاز ایران، ساخت خطوط لوله گاز، اجرای پروژه‌های LNG و عملیات سوآپ با ایران فعالیت می‌کنند. شرکت دولتی روسی ZN Vostok در حال توسعه پنج میدان نفتی در ایران است. حجم برنامه‌ریزی شده سرمایه‌گذاری بیش از چهار میلیارد دلار است. طرح‌هایی برای ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های مهندسی مکانیک و ساخت هواپیما در حال بررسی است. ایران و روسیه در حال بررسی فرصت‌هایی برای همکاری در صنعت خودروسازی، کشتی‌سازی، حمل و نقل ریلی، کشاورزی، مهندسی برق و داروسازی می‌باشند (Maryasov, 2023).

در حوزه فرهنگی و گردشگری، ارتباط مستقیم بین شهروندان، آشنایی با فرهنگ و تاریخ دو کشور را به ارمغان خواهد آورد و مردمان هر دو کشور متوجه نزدیکی‌های فرهنگی و تاریخی میان هم می‌شوند و ذهنیت‌های منفی نسبت به یکدیگر را دور می‌کند. ارتباط مستقیم بین دانشگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی، مراکز علمی، فرهنگی و مذهبی، گسترش توریسم و مناسبات ورزشی نقش بسیار زیادی در جهت دیپلماسی عمومی دارد. با توجه به وضعیت اخیر دلار پذیرش گردشگر و برگزاری مسابقات ورزشی می‌تواند ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی ایران را فعال نماید و توسعه زیرساخت و ایجاد اشتغال پایدار نماید که از این طریق نیز به اقتصاد کشور کمک شایانی خواهد شد. تسهیل در این امور فرایند شناخت فرهنگی و استواری جهت مناسبات فی ما بین را افزایش خواهد داد و ارتباطات کوتاه مدت را به مناسبات طولانی مدت و پیوسته بدل خواهد کرد، که امروزه نیاز وافر در مناسبات سیاسی برای کشور ایران می‌باشد. فعالیت‌های هنری، در زمینه موزه، سینما، تلویزیون و رسانه می‌تواند به معرفی ایران فرهنگی به شکل درست آن کمک کند و در کنار آن به اقتصاد این بخش نیز منفعت برساند.

در بخش بین‌الملل، می‌توان به تعمیق همکاری‌های دو کشور در چهارچوب سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی اشاره نمود. اهمیت تعمیق روابط در چهارچوب سازمان ملل متحد و دیگر مجامع بین‌المللی به ایران کمک می‌کند تا چشم‌انداز بهتری به روابط خود با دیگر کشورها خصوصاً دول متخاصم داشته باشد. گاهی ایجاب می‌کند جهان را از زاویه قدرت‌های بزرگ دید و با نگاه و تحلیل آن‌ها نسبت به مسائل آشنا شد. روسیه فعالانه به خروج ایران از انزوای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی کمک می‌کند. مسکو از ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک عضو اصلی حمایت کرد. کارشناسان اقتصادی پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای را یک فرصت طلایی دیگر برای توسعه و رونق بنادر شمالی کشور به‌ویژه بندر امیرآباد می‌دانند تا صادرات مورد نیاز را به کشورهای عضو ارائه

کند چرا که کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای حدود چهل درصد جمعیت جهان و نیز بیست و پنج درصد مساحت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند و ایران با بهره‌برداری از بندر امیرآباد می‌تواند از این فرصت طلایی استفاده کرده و محور ترانزیتی به این کشورها و نیز کشورهای دوست و همکار آن‌ها باشد (خبرگزاری فارس، ۱ تیر ۱۴۰۲). علاقه روسیه به فروش تسلیحات، تأمین فناوری هسته‌ای و گسترش روابط اقتصادی، تمایل او را به ایجاد یک شریک بلندمدت آشکار می‌کند (Smith, 2002, 5).

همکاری‌های بین‌المللی بین ایران و روسیه در زمینه اتمی، تروریسم بین‌المللی، مواد مخدر و قاچاق سبب معرفی ایران به عنوان یک کشور فعال در جامعه بین‌الملل می‌شود و چهره ایران را به عنوان عضو با اهمیت ملل متحد معرفی خواهد کرد. روسیه همواره در تلاش بوده با همکاری و همیاری با ایران نفوذ و جایگاه خود را در خاورمیانه گسترش دهد و قدرت نفوذ ایالات متحده آمریکا را محدود نماید (Belobrov & Others, 2014, 14). در ارتباطات منطقه‌ای همکاری ایران و روسیه در سوریه، به عنوان دو عضو فعال در مقابله با تروریسم، که وقوع دگرگونی‌های سوریه سبب همپوشانی منافع منطقه‌ای میان ایران و روسیه شده است.

نتیجه

در رابطه دوجانبه عوامل مشترکی وجود دارد که دو کشور را نزدیک‌تر کرده و همکاری آن‌ها را در آینده قابل پیش‌بینی ضروری می‌کند. نزدیکی جغرافیایی و همسایگی در ایجاد تحولات روابط ایران و روسیه اهمیت دارد. نزدیکی به همان اندازه که فرصت‌هایی برای همکاری ایجاد می‌کند مشکلاتی را نیز ایجاد می‌کند. با وجود منافع مشترک تهران و مسکو، رقابت ذاتی به دلایل واقع‌گرایانه‌ای همچون دولتی بودن اقتصاد هر دو کشور و مهم‌ترین کالای صادراتی هر دو که انرژی است، در این ارتباط وجود دارد. برخی از تصمیم‌سازان کشور ایران بر نوعی از روابط عمیق راهبردی و امنیتی گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن تأکید دارند. این همکاری‌ها شامل تمامی ابعاد مختلف برای دست یافتن به یک هدف مشترک است.

موضوع مهم دیگر که می‌تواند به فرصتی برای همکاری بلندمدت دوجانبه تبدیل شود، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران است. هرچند روسیه نمی‌تواند دغدغه و نگرانی خود را از احتمال گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جوار مرزهای خود پنهان کند. از این رو، از نظر اعتبار راهبردی، برای روس‌ها در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران راه حلی مناسب‌تر است که نه به پیروزی مطلق ایالات متحده آمریکا و نه به پیروزی نسبی ایران منجر شود. به همین دلیل است که روس‌ها با هرگونه اقدامی که به مغلوبه شدن جنگ به سود

یکی از طرفین منتهی گردد، مخالف هستند. اما امروز ورق برگشته و با حمله نظامی روسیه به اوکراین و تحریم‌های شدیدی که غرب بر علیه مسکو وضع نموده، رویکرد روسیه به سوی شرق و نگاه به همسایگان خود در قالب پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه می‌باشد. امروزه روس‌ها شرایط تحریمی ایران در طی این سال‌ها را بهتر درک می‌کنند و منافع ملی آنان نیز در راستای همکاری‌های منطقه‌ای قرار گرفته است. بنابراین شرایط نظام بین‌المللی امروزه کاملاً با سال‌های پیش متفاوت شده است.

امید است که قرارداد بیست ساله بتواند خلاءهای موجود در روابط دوجانبه را پر کند و با شرایط حال حاضر برای هر دو کشور یک معامله برد-برد را رقم بزند. روسیه قصد دارد به رغم عدم تأیید ایالات متحده آمریکا و به رغم بهبود روابط خود با ایالات متحده آمریکا، این رابطه را دنبال کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بالازاده، زهره و غیبی، فهیمه، ۱۳۹۰، مقاسیه تحلیلی روابط ایران و روسیه در دوران آقایان خاتمی و احمدی نژاد، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۱۵.

- پایور، منوچهر، ۱۳۸۲، روند جدید روابط ایران و روسیه، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۳۶.

- جعفری، علی اکبر و میرجلالی، رؤیا، ۱۳۸۹، مؤلفه‌های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته‌ای با ایران، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۵۱.

- صادقی، سیدشمس‌الدین و مرادی، سمیرا، ۱۳۹۶، تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، شماره ۱.

- عیسوی، چارلز، ۱۳۶۹، **تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه. ق)**، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، انتشارات کسری.

- کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۴، **تحولات سیاست خارجی روسیه هویت دولت و مسئله غرب**، چاپ اول،

تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۹، ایران و روسیه متحد شرقی یا تحدید جنوبی؟، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۳.
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه، ۱۳۹۶، فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۱۹۹۰-۲۰۱۶، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، شماره ۴۰.

- کیانی، داود، ۱۳۸۷، ایران و روسیه تهدیدها و فرصتها، **ماهنامه زمانه**، شماره ۷۲.
- منتظری، حمیدرضا، ۱۳۹۳، بررسی روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تعامل یا تقابل؟، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، شماره ۵۸.
- نوری، علیرضا، ۱۳۸۹، **سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین اصول و روندها**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

لاتین

- Aras, Bulent and Fatih Ozbay, 2008, the Limits of the Russian- Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics, and the Nuclear Issue, Korean Journal of Defense Analysis. Vol 20.
- Belobrov, Y. Y. and Others, 2014, Modern Russian-Iranian Relations: Challenges and Opportunities, Russian International Affairs Council (RIAC).
- Faghihi, Rohollah, 2017, Putin, Rouhani hold 'intensive' talks in Moscow.
- Freedman, Rabert, 2002, Putin and the Middle East, Demokratizasya. Vol. 10, No. 1.
- Maryasov, Alexander, 2023, Russian-Iranian Relations amid a New Geopolitical Reality.
- Smith, Mark A. , 2002, the Russo-Iranian Relationship, Conflict Studies Research Centre. Occasional Brief, No. 93.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.19- Spring 2024

Jurisprudential Legal Analysis of Rent Based on Time Unit

Homayoun Mafi, Reza Ahmadi Lemraski

A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

Behrooz Javanmard, Sahar Fatemi

Position of Women in Afghanistan from the Perspective of International Human Rights

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudifar

Analyzing the basic Conditions of Contract Formation in the Conclusion of Electronic Contracts; Responsibilities and Penalties

Zahra Ansarifar, Maryam Kamaei

Recovery of Costs and Security for Costs in Third Party Funding in International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Mohammad Saeid Hosseini, Mohammad Javad Javid

Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

Rohollah Ahangaran

Place of Reason in Deriving Jurisprudence

Ali Karimi, Hasan Sadeghian Meshkani, Sayyed Mohammad Hosein Jazayeri

Analyzing the Rights of Prisoners with an Approach to Domestic and International Institutions

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari, Amirreza Mahmoudi

The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

Sayyed Amin Hosseini, Ahmad Shohani, Iraj Morvati

Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

Alireza Ansari Mahyari, Zahra Sadat Hosseini

Crimes of Registration of Documents and Real Estate in Iranian Criminal Law

Amir Esmaceli, Navid Motamedarya, Fatemeh Nazarpur

The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

Mahan Ghorbani Pasvisheh

Exceptions to the Principle of Inadmissibility of Objections against the Holder in Good Faith

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Battered Woman Syndrome and Self-defense: A Legal and Empirical Dissent

Maryam Farahi

The Effects of the Guarantee of Good Performance of Obligations in Iranian Law

Aslan alizadeh